

حدیث روز:
حضرت رسول (ص)؛ هر کس درختی بکارد و از آن حفاظت نماید تا ثمر دهد، خداوند به اندازه ثمره آن به وی پاداش خواهد داد.

پلک احساس:
چه گفت آن پید سرجنیان که از مستی سبک سر شد؟ چه دید آن سرخوش قامت که رفت و پایدار آمد؟

اوقات شرعی:
اذان ظهر: ۱۳/۱۶
اذان مغرب: ۱۸/۲۲
اذان صبح (فردا): ۵/۴
غروب آفتاب: ۱۸/۰۴
نیمه شب شرعی: ۲۳/۳۴
طلوع خورشید(فردا): ۶/۲۷



روزی که گلابیاتورم را کشتند!

❗ خروس خوبی داشتم. از بین جوجه‌های مرغ کرج بی‌بی انتخابش کرده بودم. از همان اول به دلم ننشسته بود. جنسیتش را نمی دانستم اوایل و فرارجنسیتی عاشقش شده بودم. يك روز صبح دیدمش قوقولی قوقوی ناقصی کرد که شبیه تك سرفه بود. بند دلم پار شد. به بی بی گفتم خروسه خروسه... بی‌بی گفت بده پیاز بنفش بخوره جنگی بشه به پدرت میگم جیگر گاوش بده خونخوار شه جنگ کنه جیگرت حال بیاد.

خروسم جگر می‌خورد و قد می‌کشید. تاج برگشته‌ای داشت به قاعده همبرگری سرخ و قرمز مثل لاک‌های شهنزار آرایشگر محل بی بی اینا که صورت بند می‌انداخت و ابرو ور می‌داشت از زنان محل. خروسم در مقایسه با خروس پسر بارانی (همسایه بی بی) و مختار (پسرک افغان مستاجر همسایه دیگر) یک نقص داشت سفید بود مثل خامه‌های گاو حاج معصومه و این افت داشت. مثل ورزشکاری بود که لباس ورزشی نداشت. مثل رقاصه‌ای که دامن پولکی نداشت... احساس پادشاه روم را داشتم که گلابیاتوری وحشی و خونخوار را دارد و زره ندارد برای جنگیدن. مختار و پسر بارانی هی دعوتنامه جنگ می‌فرستادند و من گلابیاتورم زره نداشت. به بی بی گفتم گفت درستش می‌کنم تنه.

با یونه و جنا توی کاسه‌ای مسی ریختم و نوشابه زرد به آن اضافه کرد و حاصلش خمیری لزج و خوشبو شد. خوب که قاطی کرد گفت محکم بمال به پرهاش و بندارش نصف روز تو حمام که خاکی نشه و به جونش بشینه. یکی دو ساعت ساکت بود، بعدش شروع کرد به غرزدن و بال کوبیدن. قُدا می‌کشید و من نعره اژدها می‌شنیدم. شب که شد سستمش ولای چادر شیی که علف می‌بریدیم خشکش کردم. رنگش رویایی شده بود یک رنگ خاص و بی‌تکرار. به سان دامادی نورسته و بهار مست می‌خامید و بال وا می‌کرد و نوک توی بدنش می‌کشید و پرهایش را منظم می‌کرد.

در درستان ندهم خروسم همه خروس‌های محل را سه هیچ توی خانه خودشان میزد. و من سرزمین امپراتوری‌ام روز به روز گسترده‌تر می‌شد. يك روز از مدرسه برگشتم، خانه بی‌بی روی زمین پر ریخته بود. باشوره شیرآب توی حیاط را خون گرفته بود. بوی غذا می‌آمد. وارد اتاق شدم مش کنیز آمده بود. کاسه‌ای نخود کشمش و طاقه‌ای چادری فلفل نمکی و تسبیحی هم جلویش بود. از مشهد آمده بود به دیدن بی بی. بی بی احترامش کرده بود جلوی پایش خروس زمین زده بود. مش کنیز ماچم کرد صورتش بوی امام رضا(ع) می‌داد. بوی آویشن و زعفران. ماچ خیسش را پاک کردم و نشستم روبه‌رویش و شروع کردم فتیله کردن پزهای قالی... بی بی سفره که انداخت گفتم مدرسه تی تاب و نوشابه خوردم گرسنه‌ام نیست. صدای قاشق چنگال می‌آمد و من توی اتاق بغلی بغضی با قاعده خشتی خیس خورده چسبیده بود تگ لگوم... خروسم...

سخت‌ترین کار دختر ترامپ

ایوانکا ترامپ، دختر دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا با سخنرانی در مراسم جشن شام در جمع خبرنگاران ارشد واشنگتن با خنده و شوخی گفت: «سخت‌ترین کار دنیا این است که دختر ترامپ باشی.»

به گزارش تابناک، وی همچنین از انتقادات نسبت به خود شکایت کرد. سیاستمداران و خبرنگاران بسیاری در مراسم سالانه جشن شام حضور داشتند.

پیش از این در خبرها آمده بود که ایوانکا ترامپ

در کنفرانس مونیخ به همراه همسرش حضور

یافت. لباس سراسر نارنجی او سوژه شده است.

ایوانکا ترامپ در این سفر با وزیر دفاع آلمان

دیدار کرد، که کمی مورد سوژه عکاسان قرار

گرفت.

■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب‌امتیاز: سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران■ مدیر مسؤول: سید علیرضا شریفی ■ نخستین موسسه فرهنگی مطبوعاتی کشور دارای گواهینامه بین‌المللی ISO9001:2008



■ شایه: ۳۵۱۷۳۵-ISSN ۳۶۳۷۰
■ پایگاه اطلاع‌رسانی: www.jamejamdaily.ir
■ پست الکترونیکی: info@jamejamdaily.ir

Wednesday - 2019 Mar 6 | استان تهران والبرز ۱۰۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۵۰۰ تومان

چهارشنبه ۱۵ اسفند ۱۳۹۷ | ۲۸ جمادی الثانی ۱۴۴۰ | صفحه ۲۰ | سال نوزدهم - شماره ۵۳۴۰ | استان تهران والبرز ۱۰۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۵۰۰ تومان

■ تهران: بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر، شماره ۱۳۹
■ تلفن: ۰۲۱ - ۲۳۰۴۰۰۰ | دوزنگار تحریریه: ۲۲۲۲۶۲۵۲
■ سازمان شهرستان‌ها: ۴۵۸۹۷ | کد پستی: ۱۹۱۱۶۱۴۱۳۰
■ امور مشترکین: ۴۴۴۲۹۳۰ | سازمان آگهی‌ها: ۲۳۰۴۰۳۲۰
■ پیامک: ۳۰۰۰۱۱۲۴۰ | روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲
■ چاپ: به‌صورت همزمان در تهران و شهرستان‌ها (چاپخانه‌های روزنامه جام‌جم)

همدان
☀️ ۱۱ / -۴

شهرکرد
☀️ ۱۰ / -۱۱

شیراز
☀️ ۱۶ / ۲

رشت
☀️ ۱۷ / ۷

تبریز
☀️ ۱۰ / ۰

اصفهان
☀️ ۱۵ / -۱

اهواز
☀️ ۲۵ / ۱۰

تهران
☀️ ۱۵ / ۶

پیش‌بینی آب و هوا پنجشنبه

گفت وگو با آرش شفافی، شاعر معاصر

«زمستان»

مراشاعر کرد

❗ گاهی اگر از خواب می‌پریم / و به تو خیره می‌شوم / یعنی صبح به این زودی / در حدمرگ دوستت دارم.

این شعر را شاید زیاد خواننده باشید در کتابی یا نشریه‌ای. یا این روزها در شبکه‌های اجتماعی یا حتی روی کارت تبریکی به مناسبتی. این شعر را آرش شفافی سروده، شاعری که سال‌هاست روزنامه‌نگاری حرفه‌اش است. در رشته مهندسی برق لیسانس دارد و کارشناسی ارشدش را در رشته ارتباطات خوانده و این روزها هم مشغول نوشتن پایان‌اش در همین رشته است. متولد و بزرگ‌شده مشهد است، هر چند سال‌هاست مقیم تهران است. تاکنون هفت کتاب شعر منتشر کرده که از میان آنها می‌توان به ترافیک فرشته و پنکه قدیمی اشاره کرد. رفت چوپانی کند پیش شعیب / عشق موسی را کلیم... کرد... این بیت شعر شفافی را دوست دارم به نظم چند نشانه‌نژیا در آن دیده می‌شود که به دل می‌نشیند. با این شاعر که چندسالی هم در روزنامه جام جم با او همکاری بودم، هم صحبت شدم تا از دنیای شعرش بیشتر بی‌رم بگویم.

❗ **اول برابرم بگوید چگونه به شعر علاقه‌مند شدید و از چه شاعری بیشتر تاثیر گرفتید؟**

زمانی که دبیرستانی بودم؛ سال‌های آخر دهه۶۰ به شعر علاقه مند شدم و به صورت آماتور شعر می‌نوشتم و طبیعی بود شعرهایم آن اوایل تقلیدی بود از اشعار شاعران بزرگی مانند حافظ و مولانا. تا این که شعر « زمستان» مهدی اخوان ثالث را شنیدم و زمستان کاملاً نگاهم به شعر و این را که چگونه باید شعر گفت، تغییر داد. آن زمان این سوال برابرم پیش آمد که شاعر باید چه دغدغه‌هایی داشته باشد و چگونه باید زمان خود را به خواننده منتقل کند. زمستان راه شعر و شاعری را به من نشان داد. شروع کردم به مطالعه درباره ادبیات و شعر و کتاب‌هایی که آگاهی‌ام را افزایش داده و جهان‌بینی‌ام را شکل دهد. آن زمان جشنواره‌های دانش‌آموزی تاثیر زیادی در علاقه مندی و ماندگاری من در حوزه شعر داشت

بخصوص این که این جشنواره‌ها در خراسان بیشتر و جدی‌تر برگزار می‌شد. این جشنواره‌ها مرا با شاعران همسن و سال خودم و استادان ادبیات و شاعران اسم و رسم دار آشنا کرد.

❗ **روزنامه‌نگاری و این که آدم رسانه هستید چه تاثیری بر شعر شما داشت؟**

روی زبان شعرم نمی‌دانم چقدر تاثیر داشته اما روی نگاهم تاثیر زیادی داشته و دارد. روزنامه‌نگار به شکل مستقیم با اخبار و اتفاقات روز مواجه می‌شود و این

سیاه میلیون دلاری

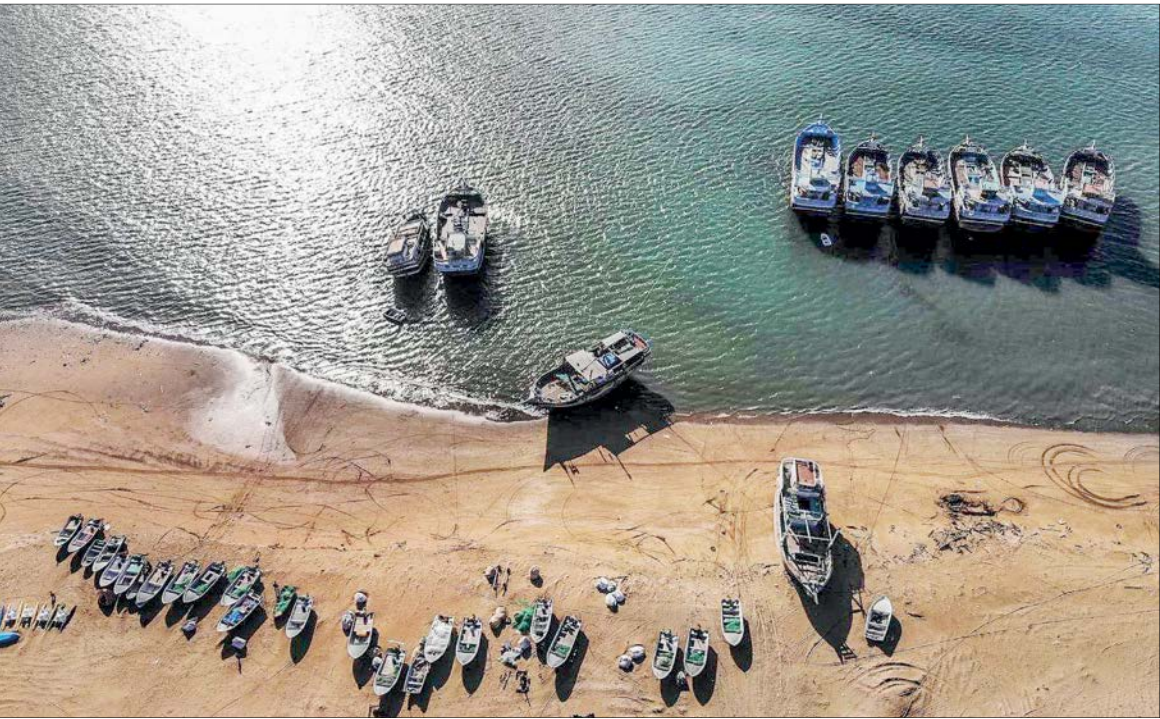
خودروی ۱۲/۴ میلیون دلاری بوگاتی La Voiture

Noir که ممکن است دوباره آن را نبینید، در

نمایشگاه خودروی ژنو رونمایی شد.

به گزارش خبرآنلاین، بوگاتی خودروی ۱۱ میلیون یورویی (بدون مالیات) خود را در نمایشگاه ژنو

رونمایی کرد. رخ آن بیشتر شبیه مدل Divo است



عکس: ایرنا

پهلو گرفتن قایق‌ها در کنار دریای خوش رنگ چابهار

اشعار عاطفی و عاشقانه در سراسر دنیا در همه تاریخ

همیشه طرفداران زیادی دارد و شعر اجتماعی و

سیاسی پشت سر شعر عاشقانه قرار می‌گیرند. این که

مردم چرا اشعار سیاسی اخوان یا مثلاً هوشنگ ابتهاج

را بیشتر می‌خوانند و به یاد دارند به این دلیل است که

در حافظه تاریخی ما ثبت شده است. مسلمانا تا قرن‌ها

بعد هر زمان بخوانند سندی درباره ۲۸ مرداد رو کنند،

شعر زمستان اخوان را مرور خواهند کرد. نباید اشعار

اخوان یا ابتهاج را با اشعار جوانان قیاس کرد. هر چند

معتقدم اشعار سیاسی و اجتماعی شاعرانی که بین

۳۵ تا ۴۰ سال دارند هم اشعار قابل دفاعی است.

❗ **از شبکه‌های اجتماعی شناخت خوبی دارید و به نظرم در معرفی اشعارتان به خوبی از این فضا استفاده می‌کنید. قبلاً در اینستاگرام بیشتر فعال بودید اما چند وقتی است در توئیتر بیشتر شعر می‌نویسید هرچند فضای توئیتر خیلی خشن‌تر و زگتر از فضای ملایم و مهربانانه اینستاگرام است. به نظر شما فضای مجازی چه**

تاثیری بر دنیای شعر معاصر داشته و خواهد داشت؟

پایان نامه دکترایم درباره تاثیر فضای مجازی بر آینده

شعر است. به نظرم فضای مجازی تاثیر مثبتی بر

شعر دارد. فضای مجازی دایره مخاطبان شعر را بازتر

کرده هر چند سطح تحصیلات مردم بالاتر رفته و آنها

اکنون شعر را بهتر و بیشتر می‌شناسند. مخاطبان

اصلی شعر و ادبیات، زنان هستند و خوشبختانه

سطح آگاهی و تحصیلات زنان روز به روز بیشتر

می‌شود و زمانی که مخاطب شعر آگاه‌تر باشد مسلماً

بر سطح کیفی اشعار نیز تاثیر می‌گذارد چون او دیگر به



شارژر کاملاً بی‌سیم

شرکت ویوو از تولید نمونه اولیه شارژر کاملاً بی‌سیمی خبر داد که برای انتقال برق به گوشی، ساعت هوشمند و غیره نیازی به کابل یا قرار دادن وسیله برقی روی صفحه‌ای خاص ندارد و تنها از طریق امواج رادیویی عمل می‌کند.

به گزارش فارس، تولید شارژرهای بی‌سیم پدیده تازه‌ای نیست، اما شارژرهای بی‌سیم امروزی که بر مبنای استانداردهایی همچون Qi تولید می‌شوند گرچه ما را از استفاده از کابل رها می‌سازند، اما هنوز هم مبتنی بر استفاده از صفحات شارژ خاصی هستند که باید گوشی و... را روی آنها قرار داد.

در سال ۲۰۱۷ شرکتی به نام Energous طرح اولیه یک شارژر بی‌سیم را ارائه کرده بود که با ارسال سیگنال‌های رادیویی قادر به انتقال برق به دیگر دستگاه‌ها بود. این دستگاه به گونه‌ای طراحی شده بود که سیگنال‌های رادیویی آن با سیگنال‌های رادیویی مخابراتی تداخل نداشت.

این شرکت برای تجاری‌سازی فناوری مذکور با شرکت چینی ویوو وارد مذاکره شده و در صورت موفقیت‌آمیز بودن این مذاکرات امکان شارژ گوشی‌های ویوو به صورت کاملاً بی‌سیم با استفاده از این فناوری وجود دارد.

امروز در تاریخ:

❗ روز درختکاری و منابع طبیعی

❗ افتتاح سازمان «هواشناسی» در ایران (۱۳۳۷)

❗ حرکت اولین اتومبیل در خیابان‌های دیترویت آمریکا (۱۸۹۶)

❗ ثبت آسپرین به عنوان دارو (۱۸۹۹)

❗ چاپ: به‌صورت همزمان در تهران و شهرستان‌ها (چاپخانه‌های روزنامه جام‌جم)

حکمت ۳۴۵:
❗ دست نیافتن به گناه نوعی عصمت است.



حکایت

عبدالقادر

و جوان علاقه‌مند

❗ در یکی از زمان‌های قدیم در شهری از شهرهای نواحی مرکزی، گدایی به‌نام عبدالقادر زندگی می‌کرد که در گدایی شهره آفاق بود و از طریق تکدیگری مال و منال فراوان گرد آورده

بود و گرچه اغلب مردم می‌دانستند که او با آن‌که اموال بسیاری دارد با هم گدایی می‌کند، از آنجا که در گدایی بسیار متبحر بود، باز هم از مردم پول می‌گرفت و کماکان از راه گدایی درآمد خوبی داشت.

روزی که عبدالقادر برای شنا به استخر رفته بود، جوانی نزدیک او رفت و پس از سلام و احوالپرسی و آرزوی توفیق به او گفت: «ای عبدالقادر، می‌خواهم مانند تو گدای موفقی شوم و از این راه درآمد مکفی کسب کنم. می‌شود مرا به شاگردی قبول کنی و فوت و فن کار را به من بیاموزی؟»

عبدالقادر گفت: من تابه حال را از کار خود را به کسی نگفتم‌ام، اما هم‌اکنون به دلم افتاده که به تو بگویم. این کار شاگردی و استادی بر نمی‌دارد و به جز سه‌تنکه فوت و فن خاصی هم ندارد؛ اول آن‌که گدایی‌کن از هرکس که باشد، دوم آن‌که گدایی‌کن در هر جا که باشد و سوم آن‌که هرکس چیزی داد بگیر، هر چیز که باشد.

جوان گفت: پس بده در راه خدا. عبدالقادر گفت: زکی، من خودم ختم گداهایم، از من گدایی می‌کنی؟

جوان گفت: خودت گفتی گدایی‌کن از هر که باشد.

عبدالقادر گفت: حالا اینجا؟ لخت و عور؟

جوان گفت: خودت گفتی گدایی‌کن هر جا که باشد.

عبدالقادر گفت: الان به‌صورت لخت و عور فقط می‌توانم به رختک بروم و مایوام را بچلانم و هر چه از آن چکیده به تو بدهم.

جوان گفت: خودت گفتی هرکس چیزی داد بگیر، هر چیز که باشد.

عبدالقادر گفت: ای جوان، تو ختم گدایانی، مرا به دستیاری خود بپذیر. جوان، عبدالقادر را به دستیاری خود پذیرفت و آنها همراه هم آکادمی آموزش علمی تکدیگری با آخرین متد روز اروپا را تأسیس کردند.❗

پیام‌های خصوصی چینی‌ها لورفت

بیش از ۳۰۰ میلیون پیام خصوصی کاربران چینی شبکه‌های پیام رسان محبوب در این کشور از روز شنبه در فضای مجازی شناسایی شده است. به گزارش مهر، بررسی‌های یک محقق امنیتی به نام ویکتور گیوزر، نشان می‌دهد که پایگاه داده حاوی این اطلاعات مشتعل بر ۳۶۴ میلیون پیام شخصی کاربران چینی است و هویت افراد فرستنده این پیام‌ها نیز با توجه به وجود آدرس آی.پی آنها در این پایگاه داده قابل شناسایی است.

بخش عمده این پیام‌ها از طریق دو پیام رسان محبوب چینی به نام‌های وی چت و کیوکیو ارسال شده اند و در برخی موارد عکس‌های شهروندان چینی، شماره کارت‌های شناسایی آنها، آدرس‌ها، موقعیت مکانی آنها و برخی اطلاعات دیگر نیز از طریق این پایگاه داده قابل استخراج است.



اطلاعات موجود در این پایگاه داده برای ۱۷ سرور دیگر در نقاط مختلف جهان ارسال شده و همین امر امنیت و حریم شخصی بسیاری از شهروندان چینی را به خطر انداخته است. هنوز مشخص نیست این اطلاعات از چه زمانی در فضای مجازی ارسال شده‌اند.